



پژوهشنامه‌ی اقتصاد کلان

علمی - پژوهشی

دوره سیزدهم، شماره‌ی ۲۶، نیمه‌ی دوم ۱۳۹۷

## بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر درآمد مالیاتی استان‌های ایران با استفاده از رویکرد پنل دیتا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۳۰

آرش هادی‌زاده \*

### چکیده:

سرمایه اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از هنجارهای موجود جامعه دانست که نشان‌دهنده اعتماد مردم به نهادهای دولتی و یکدیگر است. اعتماد مردم به دولت، در تصمیم آنان برای پرداخت مالیات تأثیر می‌گذارد. سرمایه اجتماعی شاخصی است که میزان این اعتماد را می‌سنجد. هدف از پژوهش حاضر، آزمون تجربی اثر سرمایه اجتماعی بر درآمد مالیاتی استان‌های کشور طی دوره ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۴ است. برای این منظور از روش داده‌های تابلویی استفاده شده است. نوآوری این مقاله معرفی شیوه‌ای جدید برای محاسبه شاخص سرمایه اجتماعی استان‌های ایران است. به این منظور پس از امکان‌سنجی استفاده از متغیرها و روش‌های مختلف برای محاسبه این شاخص، روشی انتخاب شده است که به نظر می‌رسد با شرایط استان‌های ایران سازگار است. روش استفاده شده در این مقاله روش فوکویاما است که در واقع فقدان سرمایه اجتماعی را می‌سنجد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی، تولید ناخالص داخلی سرانه و ضریب جینی تأثیر مثبت و معنی‌دار و سرانه ارزش افزوده بخش کشاورزی، نرخ بیکاری تأثیر منفی و معنی‌داری بر درآمد مالیاتی استان‌های ایران دارند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، درآمد مالیاتی، اقتصاد ایران، تحلیل استانی

طبقه‌بندی JEL: H26, H71, E22, D63

---

\* گروه اقتصاد، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران (Email: arash.hadizade@gmail.com)

## ۱. مقدمه

مالیات یکی از با ثبات ترین منابع درآمدی دولت ها است که علاوه بر ویژگی درآمدی، مهم ترین ابزار اعمال سیاست مالی دولت به شمار می رود و نقش مهمی در دستیابی به اهداف اقتصادی مانند عدالت اجتماعی، بهبود توزیع درآمد، تخصیص منابع و ثبات اقتصادی ایفا می کند (عرب مازار و دهقانی ۱۳۸۸). هر اندازه که سهم مالیات در تأمین هزینه های دولت افزایش پیدا کند، به همان اندازه بودجه دولت از سلامت، ثبات و پایداری بیشتری برخوردار و نیاز دولت به استقراض یا فروش دارایی های ملی محدود می شود و در مقابل، انگیزه دولت برای تصدی گری امور اقتصادی کاهش می یابد و قدرت حاکمیت دولت تقویت می شود (رسولی و فرزینوش، ۱۳۹۱). در اقتصاد ایران، درآمدهای حاصل از صدور نفت و گاز نقش اساسی را در بودجه دولت ایفا می کند و نظام مالیاتی ایران کارکردهای اساسی خود در اقتصاد را اجرایی نکرده است (صبوری دیلمی و شفیع، ۱۳۸۷). در این راستا مطالعات متعددی از قبیل خداوردی (۱۳۸۰)، پورمقیم و همکاران (۱۳۸۴)، اکبریان، قائدی و وهام (۱۳۸۶)، کلانتری و معمارزاده (۱۳۸۶)، زایر (۱۳۸۸)، عرب مازار و دهقانی (۱۳۸۸)، کریمی پتانلار، بابازاده و حمیدی (۱۳۹۰)، رسولی و فرزینوش (۱۳۹۱)، شکیبایی و خراسانی (۱۳۹۱)، ابریشمی، رحمانی و نصیرالاسلامی (۱۳۹۱)، تقی سلطانی و پورغفار دستجردی (۱۳۹۱)، صمدی و عیدی زاده (۱۳۹۲) به تحلیل و بررسی عوامل موثر بر عملکرد مالیاتی ایران و ارائه راهکار برای اصلاح نظام مالیاتی و ارتقای درآمدهای مالیاتی کشور پرداخته اند. اما با وجود تلاش های انجام شده در راستای اصلاح نظام مالیاتی - از قبیل اصلاح قوانین و مقررات مالیات ها، اصلاح نرخ ها و معافیت های مالیاتی و اصلاحات گسترده اداری در فرایندهای تشخیص تا وصول مالیات - عملکرد نظام مالیاتی کشور حاکی از روند کاهشی سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی کشور است که خود بیانگر افزایش وابستگی اقتصاد به دولت و روند رو به رشد اقتصاد زیرزمینی در کشور می باشد (تقی سلطانی و پورغفار دستجردی، ۱۳۹۱).

نکته بسیار مهم در موفقیت یک نظام مالیاتی آن است که مؤدیان به دولت اعتماد داشته باشند و پرداخت مالیات را مانند رابطه بده و بستان بدانند و اطمینان داشته باشند که به‌ازای مالیات پرداختی، امتیازات و تسهیلاتی دریافت می‌کنند. بنابراین، نکته‌ای که لازم است مورد توجه سیاست‌مداران قرار گیرد این است که تنها با اعمال اجبار و وضع قوانین و مقررات و به‌کارگیری شیوه‌های مدرن مالیاتی از قبیل مالیات بر ارزش افزوده و سیستم خوداظهاری مالیاتی موفقیتی حاصل نخواهد شد و نقش ملاحظات فرهنگی و اجتماعی در تعیین انگیزه درونی افراد برای پرداخت مالیات، بسیار حائز اهمیت است. از این رو، سرمایه اجتماعی - به‌عنوان مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها و ارزش‌ها و درکی که موجب تسهیل همکاری و مشارکت جمعی می‌شود - نقش مهمی در کارایی سیستم مالیاتی ایفا می‌کند (آلم و گومز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸، آلم، کلارک و لیبیل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). این در حالی است که هیچ یک از مطالعات داخلی به بررسی اثر سرمایه اجتماعی بر درآمدهای مالیاتی کشور نپرداخته‌اند. مقاله حاضر، این ویژگی را دارد که برای اولین بار اثر سرمایه اجتماعی را بر درآمد مالیاتی استان‌های کشور مورد بررسی قرار می‌دهد. ساختار این مقاله مشتمل بر پنج بخش است. پس از مقدمه، در بخش دوم ادبیات تحقیق (نظری و تجربی) به‌طور اجمالی ارائه می‌شود. سپس در بخش سوم، عملکرد نظام مالیاتی ایران تحلیل می‌شود. بخش چهارم به تصریح مدل و آزمون تجربی اثر سرمایه اجتماعی بر درآمد مالیاتی استان‌های ایران طی دوره ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۴ با استفاده از روش داده‌های تابلویی می‌پردازد. در نهایت، در بخش پنجم جمع‌بندی و پیشنهادها ارائه می‌گردد.

---

<sup>1</sup> Alm & Gomez

<sup>2</sup> Clark & Leibel

## ۲ ادبیات تحقیق

### ۲-۱ مبانی نظری

درباره پیدایش مفهوم سرمایه اجتماعی و هم‌چنین درباره معانی، تعاریف و ابزارهای سنجش آن اتفاق نظری در بین محققان وجود ندارد. پیدایش این اصطلاح در برخی متون مانند پوتنام<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) به هانی‌فان<sup>۲</sup> (۱۹۱۶) و در برخی متون دیگر به جاکوب<sup>۳</sup> (۱۹۶۱) نسبت داده شده است (به نقل از رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰). لوری<sup>۴</sup> (۱۹۷۰) اولین اقتصاددانی بود که به این مفهوم توجه کرد و بوردیو<sup>۵</sup> (۱۹۸۶) برای اولین بار آن را وارد متون اقتصادی نمود. اما در متون موجود اشاره می‌شود که کلمن<sup>۶</sup> (۱۹۸۸) و پوتنام<sup>۷</sup> (۱۹۹۳) مفهوم فعلی سرمایه اجتماعی را پایه‌ریزی کرده و وارد متون اقتصاد نموده‌اند (به نقل از رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰). هر چند تعاریف متعدد و متفاوتی از سرمایه اجتماعی در متون اقتصادی و جامعه‌شناسی ارائه شده است، اما وجه مشترک تمامی تعاریف ارائه شده، اشاره به سرمایه اجتماعی به‌عنوان مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها و ارزش‌ها و درکی است، که موجب تسهیل همکاری درون گروهی و برون گروهی می‌شود (تاجبخش، ۱۳۸۴ و رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰).

بر اساس رویکرد نهادگرایان، یکی از مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت در خلق نهادهای کارآمد و اصلاح نظام مالیاتی در کشورهای در حال توسعه، پایین بودن کارایی نظام اجتماعی و فقدان سرمایه اجتماعی در این کشورهاست (ایسترلی<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶ و ولکوک<sup>۹</sup>، ۲۰۱۱). سرمایه اجتماعی که خود منتج از باورها و مدل‌های ذهنی مشترک در یک جامعه است، در کیفیت بالاتر نهادهای رسمی و غیررسمی یک جامعه تجلی می‌یابد.

---

<sup>۱</sup> Putnam  
<sup>۲</sup> Hanifan  
<sup>۳</sup> Jacobs  
<sup>۴</sup> Lory  
<sup>۵</sup> Bourdieu  
<sup>۶</sup> Coleman  
<sup>۷</sup> Putnam  
<sup>۸</sup> Easterly  
<sup>۹</sup> Woolcock

کیفیت نهادهای جامعه، فرصت‌های پیش‌روی سازمان‌ها را منعکس می‌کند. با توجه به آن‌که سازمان‌ها بازوی اجرایی سیاست‌گذاری‌ها محسوب می‌شوند، اعتقاد به هدف مشترک، عنصر مهمی در سازمان‌ها محسوب می‌شود (نورث، ۲۰۰۰).

وقتی ساختار اجتماعی به‌گونه‌ای است که عدم همکاری اجتماعی و فرار مالیاتی موجب کسب منفعت برای افراد می‌گردد، عاملان اقتصادی بر اساس فرض رفتار نهادی (یادگیری) می‌آموزند که در جهت عدم مشارکت و اکراه در پرداخت مالیات حرکت کنند. در این شرایط، سیاست‌گذاری مالیاتی، بدون توجه به این باورها و مدل‌های ذهنی بی‌ثمر بوده و تنها موجب افزایش هزینه‌های مبادلاتی اجرای این سیاست‌ها می‌گردد (نورث، نانتزاوینوس و شاریگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴ و متوسلی و زبیری، ۱۳۹۲).

## ۲-۲ مطالعات تجربی

مطالعات و تحقیقات متعددی در داخل و خارج به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با عملکرد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع از زوایای مختلف پرداخته‌اند. برخی از مطالعات مانند ناک و کیفر<sup>۲</sup> (۱۹۹۷)، لاپورتا<sup>۳</sup> (۱۹۹۷)، استون، شون و کیم<sup>۴</sup> (۱۹۹۹)، کیم<sup>۴</sup> (۱۹۹۹)، زاک و ناک<sup>۵</sup> (۲۰۰۱)، فرانسوا و زابونیک<sup>۶</sup> (۲۰۰۴)، چاو<sup>۷</sup> (۲۰۰۶)، وودهاس<sup>۸</sup> (۲۰۰۶)، آنکورنا و آنجوس<sup>۹</sup> (۲۰۰۸)، آلگان و کاهوک<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۰) و موسای، آبهارى و گرشاسبی<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۱) به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با سرمایه‌گذاری و رشد و توسعه اقتصادی پرداختند و نشان دادند سرمایه اجتماعی با ایجاد و گسترش اعتماد

<sup>1</sup> Nantzavinos & Sharig

<sup>2</sup> Knack & Keefer

<sup>3</sup> La Porta

<sup>4</sup> Astone, Schoen & Kim

<sup>5</sup> Zak & Knack

<sup>6</sup> Francois & Zabochnik

<sup>7</sup> Chou

<sup>8</sup> Woodhouse

<sup>9</sup> Anchorena & Anjos

<sup>10</sup> Algan & Cahuc

<sup>11</sup> Musai, Abhari & Garshasbi

در جامعه و فراهم آوردن محیطی امن و باثبات، پس‌اندار و سرمایه‌گذاری در جامعه را تشویق و تسهیل می‌کند و انگیزه سرمایه‌گذاران را افزایش می‌دهد که منجر به رشد و توسعه اقتصادی می‌شود.

وارن<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) و هریس<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) نشان دادند جوامع با سرمایه اجتماعی بالاتر به‌علت مشارکت بالای مردم در تدبیر امور و ثبات و توافق نسبی بیش‌تر در برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌ها، کم‌تر در معرض رفتارهای فرصت طلبانه و گسترش فساد قرار می‌گیرند. میلیکوویچ و ریمال<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) در مطالعه خود نشان دادند هر چه سرمایه اجتماعی در جامعه بیش‌تر باشد زمینه برای تضاد و تعارض و در نتیجه کشمکش‌های سیاسی و اجتماعی و در نهایت بی‌ثباتی سیاسی کم‌تر می‌شود.

تیچمان، پاش و کارور<sup>۴</sup> (۱۹۹۶)، کلمن<sup>۵</sup> (۱۹۹۸)، گامارنیکو<sup>۶</sup> (۲۰۰۳)، دیندا<sup>۷</sup> (۲۰۰۸) (۲۰۰۸) و یامامورا<sup>۸</sup> (۲۰۰۹) نشان دادند جوامع با سطوح بالای سرمایه اجتماعی، فرصت‌های گسترده‌تری برای سطوح بالاتر تحصیلات و انگیزه‌های بالاتر برای سرمایه‌گذاری‌های فردی در توسعه انسانی و گسترش و بهبود مهارت‌های فردی و شغلی فراهم می‌آورند.

تورک<sup>۹</sup> (۲۰۰۶) و دوه و آکس<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۱)، کیم و کانگ<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۳) و اکلیندر-فریک، اریکسن و هالن<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۴) به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با نوآوری و کارآفرینی پرداختند. نتایج مطالعات ایشان حاکی از آن است که نوآوری، خلق و استفاده از دانش و

<sup>1</sup> Waren

<sup>2</sup> Harris

<sup>3</sup> Miljkovic & Rimal

<sup>4</sup> Teachman, Paasch & Carver

<sup>5</sup> Coleman

<sup>6</sup> Gamarnikow

<sup>7</sup> Dinda

<sup>8</sup> Yamamura

<sup>9</sup> Tourk

<sup>10</sup> Doh & Acs

<sup>11</sup> Kim & Kang

<sup>12</sup> Eklinder-Frick, Erikson & Hallen

ایده جدید یک فعالیت اجتماعی است که بستگی به تعاملات رودرو، سرریز شدن دانش و تشریک مساعی دارد که در جوامع با سرمایه اجتماعی بالاتر، آسان‌تر صورت می‌گیرد. هم‌چنین، سرمایه اجتماعی از طریق تسهیل حفاظت اطلاعات درباره تکنولوژی، به کمک حقوق مالکیت آمده و سبب می‌شود افراد با اطمینان از این که ابداع و خلاقیت آن‌ها ر بوده نخواهد شد به خلاقیت و نوآوری روی آورند. سرمایه اجتماعی با گسترش ارتباطات و تعاملات بین بنگاه‌ها و گروه‌های مختلف باعث ترغیب آن‌ها برای سرمایه گذاری مشترک می‌شود و زمینه را برای افزایش نوآوری و ابداعات فراهم می‌کند.

اهمیت سرمایه اجتماعی از دید محققان داخلی نیز پنهان نمانده است. سوری (۱۳۸۳)، امیری و رحمانی (۱۳۸۵)، حسینی، علمی و دانش‌پور (۱۳۸۶)، رحمانی، عباسی‌نژاد و امیری (۱۳۸۶)، رنانی و مؤیدفر (۱۳۸۷)، زاهدی، شیانی، علی‌پور (۱۳۸۸)، مؤیدفر، اکبری و دلیری (۱۳۸۸)، شیرخانی و واسعی‌زاده (۱۳۹۰)، نصراللهی و اسلامی (۱۳۹۲) و خداپرست مشهدی، فلاحی و آریانا (۱۳۹۳) به بررسی تجربی رابطه سرمایه اجتماعی با رشد و توسعه اقتصادی در ایران پرداخته‌اند. علاوه بر این نجارزاده و سلیمانی (۱۳۹۱) اثر سرمایه اجتماعی را بر درآمد و رفاه فردی در استان‌های ایران، عبداللهی، و لائی و انوری (۱۳۹۲) اثر سرمایه اجتماعی را بر فقر روستایی و شعبانی، نخلی و شیخانی (۱۳۹۲) رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه انسانی در استان‌های ایران را مورد بررسی قرار دادند. هیچ یک از مطالعات به بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر درآمدهای مالیاتی نپرداخته‌اند. تحقیق حاضر برای اولین بار سرمایه اجتماعی در ایرن را به عنوان یک عامل موثر بر سطح درآمد مالیاتی معرفی نموده است.

### ۳-۱ اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی

به‌علت پیچیدگی محاسبات و فقدان داده‌های لازم جهت برآورد سرمایه اجتماعی، غالب مطالعات تجربی به پیروی از فوکویاما<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) -فرسایش سرمایه اجتماعی را به‌عنوان

<sup>۱</sup> Fukuyama

پراکسی فقدان سرمایه اجتماعی استفاده کرده‌اند. این روش را روش معکوس نیز می‌نامند. در پژوهش حاضر، با پیروی از فوکویاما (۱۹۹۷) و ناگلر<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی از روش معکوس استفاده شده است یعنی شاخصی که فقدان سرمایه اجتماعی را نشان دهد. برای پراکسی کردن سرمایه اجتماعی، چهار متغیر متوسط قتل عمد به ازای هر هزار نفر، متوسط تصادفات درون شهری به ازای هر هزار نفر، متوسط تعداد سرقت از اماکن به ازای هر هزار نفر و متوسط مواد مخدر کشف شده به کیلوگرم به ازای هر هزار نفر در هر استان استفاده شد<sup>۲</sup>. برای محاسبه شاخص سرمایه اجتماعی ابتدا این چهار متغیر نرمال شدند و سپس میانگین این مقادیر نرمال شده به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی برای هر استان در هر سال در نظر گرفته شد. توجه شود که مقادیر کمتر شاخص به دست آمده نشان‌دهنده سطح بالاتر سرمایه اجتماعی است و برعکس. جدول (۱) تصویری کلی از وضعیت سرمایه اجتماعی و عملکرد مالیاتی استان‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱- متوسط سرانه درآمد مالیاتی و سرمایه اجتماعی استان‌های ایران (۱۳۸۶-)

(۱۳۹۴)

استان	میانگین سرانه درآمد مالیاتی (هزار ریال) ۱۳۸۶-۹۴	میانگین شاخص ترکیبی سرمایه اجتماعی ۹۴-۱۳۸۶
آذربایجان شرقی	۱۶۴۸.۷	۰.۱۷
آذربایجان غربی	۸۷۸.۳	۰.۱۸
اردبیل	۷۰۰.۹	۰.۱۳

<sup>۱</sup> Nagler

<sup>۲</sup> از بین متغیرهای مرتبط با قانون‌گزیزی افراد جامعه، این چهار متغیر به این دلیل انتخاب شدند که بیشترین میزان داده موجود در استان‌های کشور در سال‌های مدنظر را دارا هستند. داده‌های جمع‌آوری شده استانی، به‌خصوص در سال‌های دهه ۹۰ شمسی، پراکنده و ناهمگون است و از استاندارد واحدی پیروی نمی‌کند؛ یعنی در برخی استان‌ها داده‌هایی جمع‌آوری و گزارش می‌شوند که سایر استان‌ها آن داده‌ها را گزارش نمی‌کنند و برعکس. از این رو دست‌یافتن به مجموعه داده‌ای که در همه سال‌ها در همه استان‌ها موجود باشد دشوار است. مثلاً آمار تعداد چک‌های برگشتی، تعداد طلاق‌ها یا تعداد خودکشی‌ها - که ممکن است نسبت به متغیرهای انتخاب‌شده در این مقاله، پراکسی‌های مناسب‌تری به‌نظر برسند- برای تمام استان‌ها در تمام سال‌ها وجود ندارد. بررسی محقق حاکی است که چهار متغیر انتخاب شده، بیشترین میزان داده در سال‌ها و استان‌های مختلف را دارند. البته همین متغیرها نیز در برخی استان/سال‌ها فاقد داده هستند (unbalanced panel) اما به عقیده نگارنده بهترین انتخاب ممکن برای پراکسی کردن سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران محسوب می‌شوند.



۰.۲۶	۳۶۹۶.۱	اصفهان
۰.۲۲	۶۱۴.۸	ایلام
۰.۲۹	۴۹۰۹.۸	بوشهر
۰.۲۵	۸۸۷۰.۰	تهران
۰.۱۳	۶۵۴.۷	چهارمحال و بختیاری
۰.۱۹	۱۱۲۲.۷	خراسان جنوبی
۰.۲۰	۹۰۸۳.۳	خراسان رضوی
۰.۱۳	۹۷۰.۳	خراسان شمالی
۰.۱۸	۵۴۹۲.۳	خوزستان
۰.۱۰	۲۲۴۰.۹	زنجان
۰.۲۸	۱۳۱۰.۸	سمنان
۰.۳۱	۱۸۲۱.۱	سیستان و بلوچستان
۰.۲۲	۴۳۴۸.۱	فارس
۰.۱۳	۴۵۲۵.۰	قزوین
۰.۲۴	۱۶۶۳.۶	قم
۰.۱۰	۱۳۵۹.۱	کردستان
۰.۲۴	۲۱۵۶.۷	کرمان
۰.۱۸	۱۸۹۵.۴	کرمانشاه
۰.۱۳	۹۳.۳	کهگیلویه و بویراحمد
۰.۱۸	۱۲۹۱.۶	گلستان
۰.۱۲	۳۴۳۰.۲	گیلان
۰.۱۷	۱۷۴۹.۰	لرستان
۰.۱۴	۳۲۳۳.۳	مازندران
۰.۲۱	۵۲۹۰.۲	مرکزی
۰.۲۷	۶۱۱۶.۰	هرمزگان
۰.۱۱	۱۹۹۷.۶	همدان
۰.۳۱	۴۰۹۴.۵	یزد

منبع: یافته‌های تحقیق

#### ۴- مندولوژی تحقیق

##### ۴-۱- تصریح مدل و توصیف داده‌ها

به منظور برآورد اثر سرمایه اجتماعی بر درآمد مالیاتی استان‌های کشور، مدل شکیبایی و خراسانی (۱۳۹۱) به صورت زیر تصریح می‌شود<sup>۱</sup>:

$$\log(TPC) = f[\log(GDPPC), \log(AVAPC), \log(U), \log(GINI), \log(SC)] \quad (1)$$

که در آن  $\log(LPC)$  = لگاریتم سرانه درآمد مالیاتی تعدیل‌شده<sup>۲</sup> هر استان،  $\log(GDPPC)$  = لگاریتم تولید سرانه هر استان،  $\log(AVAPC)$  = لگاریتم سرانه ارزش افزوده بخش کشاورزی<sup>۳</sup>،  $\log(U)$  = لگاریتم نرخ بیکاری<sup>۴</sup> در هر استان،  $\log(GINI)$  = لگاریتم ضریب جینی<sup>۵</sup> در هر استان و در نهایت  $\log(SC)$  = لگاریتم

<sup>۱</sup> شکیبایی و خراسانی (۱۳۹۱، ص ۱۸۱) در مطالعه خود به دنبال بررسی اثر ارزش افزوده بخش‌های مختلف صنعت، معدن، خدمات و مسکن بر درآمد مالیاتی استان‌های کشور بوده‌اند و به همین دلیل ارزش افزوده هر یک از این بخش‌ها را به تفکیک در مدل خود لحاظ کرده‌اند. با توجه به آنکه هدف این پژوهش بررسی اثر سرمایه اجتماعی بر درآمد مالیاتی استان‌های کشور است، لذا به جای ارزش افزوده تفکیک شده بخش‌های مذکور از متغیر تولید سرانه استفاده نمودیم.

<sup>۲</sup> میزان GDP با نفت و بدون نفت برای تعدادی از استان‌ها مانند ایلام یا خوزستان تفاوت زیادی دارد. برای محاسبه درآمد مالیاتی استان‌ها، ارزش افزوده بخش نفت نیز در نظر گرفته می‌شود و آمار درآمد مالیاتی تمام استان‌ها در تمام سال‌ها بدون این ارزش افزوده در دسترس نیست. بنابراین برای به دست آوردن درآمد مالیاتی استان‌ها بدون ارزش افزوده بخش نفت، ابتدا نسبت GDP بدون نفت به GDP با نفت محاسبه شد و سپس این نسبت در درآمد مالیاتی استان‌ها ضرب شد تا درآمد مالیاتی استان‌های نسبت به نفت خیز بودن یا نبودن استان‌ها حساسیت نداشته باشد.

<sup>۳</sup> بالا بودن سهم بخش کشاورزی در یک اقتصاد، نشان‌دهنده ساختار سنتی اقتصاد است. اقتصادهای دارای ساختار سنتی، عمدتاً دارای کسب و کارهایی با مقیاس کوچک و بهره‌وری و سود پایین هستند. در اکثر کشورها، از جمله ایران، به دلیل سیاست‌های حمایتی، از این کسب و کارها مالیاتی اخذ نمی‌شود، در نتیجه، بالا بودن سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی کاهش درآمد مالیاتی را در پی خواهد داشت (اکبریان، قانلی و وهام، ۱۳۸۶، ص ۱۲).

<sup>۴</sup> بالا بودن نرخ بیکاری، از یک طرف، کم شدن پایه مالیات بر درآمد دولت به نسبت کل جمعیت را در پی دارد و از طرف دیگر، به کاهش پس انداز خانواده‌ها منجر می‌شود و در نتیجه، در بلندمدت موجب کاهش در سرمایه‌گذاری، تولید، سود، اشتغال و درآمد مالیاتی دولت می‌شود (اکبریان، قانلی و وهام، ۱۳۸۶، ص ۱۳).

<sup>۵</sup> نظر قطعی و مشخصی در رابطه با تأثیر ضریب جینی بر نسبت مالیاتی به لحاظ تئوریک وجود ندارد و بسته به شرایط و ویژگی هر استان، اثرات متفاوتی قابل مشاهده است. ممکن است طبق نظر کوزنتس هرچه توزیع درآمد نامناسب‌تر و ضریب جینی بزرگ‌تر باشد، ظرفیت بیش‌تری برای مالیات‌ستانی به وجود آمده و ضریب جینی با نسبت مالیاتی رابطه مثبت داشته باشد یا برعکس توزیع مناسب درآمد و ضریب

شاخص سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup> در هر استان است. تمام اطلاعات مورد نیاز از مرکز آمار ایران جمع‌آوری شده است.

#### ۴-۲ بررسی مانایی متغیرها

از آزمون لوین، لین و چو<sup>۲</sup> برای بررسی مانایی متغیرها استفاده شده است. فرض صفر این آزمون وجود ریشه واحد است. در ادامه نتایج حاصل از این آزمون برای متغیرهای پژوهش ارائه می‌شود.

جدول ۲- نتایج آزمون‌های مانایی متغیرها

متغیر	مقدار آماره آزمون	مقدار Prob
TPC	-2.03	0.0212
GDPPC	-15.35	0.0000
AVAPC	-1.71	0.0438
U	-7.27	0.0000
GINI	-12.29	0.0000
SC	-8.01	0.0000

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول ۲ حاکی است که فرض صفر نامانایی یا وجود ریشه واحد تمام متغیرها حداقل در سطح معنی‌داری ۵ درصد رد می‌شود.

#### ۴-۳ برآورد مدل پیشنهادی

روش مورد استفاده برای برآورد معادله پیشنهادی روش داده‌های تابلویی یا تلفیق سری‌های زمانی و مقطعی است. برای انتخاب بین مدل تلفیقی یا ترکیبی از آزمون اف لیمر یا چاو استفاده شد. مقدار آماره کای دو برابر ۱۵.۹۳ و Prop آن ۰.۰۴۳ است. پس در سطح معنی‌داری ۵ درصد استفاده از روش ترکیبی (panel) بهتر است. برای انتخاب

چینی کوچک‌تر باعث شود که ظرفیت مالیات‌ستانی کاهش یابد و آن‌گاه ضریب جینی با نسبت مالیاتی رابطه عکس خواهد داشت (شکیبایی و خراسانی، ۱۳۹۱).

<sup>۱</sup> با توجه به توضیحات بخش ۲-۱ انتظار می‌رود افزایش سرمایه اجتماعی با درآمد مالیاتی رابطه مثبت داشته باشد و در نتیجه، شاخص معکوس سرمایه انسانی -محاسبه و استفاده شده در این مقاله- با درآمد مالیاتی رابطه منفی داشته باشد.

<sup>۲</sup> Levin, Lin & Chu

بین روش اثرات ثابت و تصادفی نیز از آزمون هاسمن استفاده شد. مقدار آماره برابر ۱۷.۵۶ و Prop آن ۰.۰۲۱ است. در نتیجه کلی، در سطح معنی داری ۵ درصد، مدل پانل با اثرات ثابت ارجح است. نتایج برآورد رابطه ۱ در جدول ۳ آمده است.

### جدول ۳- نتایج برآورد مدل پیشنهادی تحقیق

متغیر وابسته: لگاریتم درآمد مالیاتی تعدیل شده سرانه $\log(\text{TPC})$			
متغیر	ضریب	آماره t	مقدار Prob
جزء ثابت	-1.11	-0.71	0.4800
لگاریتم تولید سرانه $\log(\text{GDPPC})$	1.98	22.08	0.0000
لگاریتم سرانه ارزش افزوده بخش کشاورزی $\log(\text{AVAPC})$	-1.17	-17.53	0.0000
لگاریتم نرخ بیکاری $\log(U)$	-0.33	-2.12	0.0349
لگاریتم ضریب جینی $\log(\text{GINI})$	1.58	3.53	0.0005
لگاریتم سرمایه اجتماعی SC	-0.08	-1.76	0.0809
آماره F = ۰.۰۰۰۰	آماره F = ۲۸.۶۳	$R^2$ تعدیل شده = ۰.۶۴	

منبع: یافته‌های تحقیق

از آن جا که مدل به شکل  $\log\text{-}\log$  برآورد شده است بنابراین ضرایب را می توان به عنوان کشش نیز تفسیر کرد. ضریب متغیر تولید سرانه مثبت و در سطح ۱ درصد معنی دار است. استان‌های با تولید سرانه بالاتر، به طور متوسط درآمد مالیاتی بالاتری نیز دارند. این نتیجه همسو با نتایج به دست آمده توسط اکبریان، قائدی و وهام (۱۳۸۶) و غفاری، پورکاظمی، کاشی و یونسی (۱۳۹۴) است. مقدار ۱.۹۸ برای ضریب این متغیر نشان می دهد که با یک درصد افزایش تولید سرانه، درآمد مالیاتی استان‌ها به طور متوسط ۱.۹۸ درصد افزایش یافته است. از آن جا که برخی از استان‌ها مانند خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر و ایلام نفت خیز هستند، ارزش تولید با نفت و بدون نفت در این استان‌ها تفاوت زیادی دارد. برای یکسان ساختن شرایط این استان‌ها با سایر استان‌های غیرنفتی، با تعدیلاتی به شرح پانویس ۲ صفحه ۱۰، ارزش تولید بدون نفت -سرانه- این استان‌ها وارد مدل شده است همبستگی تولید سرانه بدون نفت استان‌های نفتی با درآمد مالیاتی ۰.۶۹ است که همبستگی مثبت و زیادی است. اما ضریب همبستگی تولید سرانه با نفت استان‌های نفتی و درآمد مالیاتی برابر ۰.۳۹- است. یعنی با در نظر

گرفتن درآمدهای نفتی در این استان‌ها، با افزایش تولید سرانه درآمدهای مالیاتی کاهش یافته است. یعنی بخش تولید و استخراج نفت نه تنها باعث افزایش درآمدهای مالیاتی نشده است، بلکه آن را کاهش داده است. این نتیجه موید نتیجه پژوهش عرب‌مازار، باقری و گل‌محمدی (۱۳۹۴) است. "استفاده از قراردادهای بیع متقابل برای جذب سرمایه‌گذار خارجی در بخش استخراج نفت باعث شده است که نحوه اخذ مالیات بر سود و مالیات بر ارزش افزوده از چنین پیمانکارانی به موضوعی چالش‌برانگیز تبدیل شود. به شکلی که رویه واحدی برای اخذ مالیات در این بخش وجود ندارد و مامور مالیاتی به شکل علی‌الراس اقدام به تعیین مالیات بر سود در این بخش می‌کند که مطابق قانون مالیات بر درآمد اشخاص ایرانی و خارجی که در زمینه قراردادهای بیع متقابل فعالیت می‌کنند از طریق رسیدگی به دفاتر تعیین می‌شود و نرخ آن ۲۵ درصد است" (همان). بنابراین به نظر می‌رسد در این بخش ظرفیت مناسبی برای افزایش درآمدهای حاصل از استخراج نفت به‌ویژه در مورد قراردادهای بیع متقابل وجود دارد.

ضریب سرانه ارزش افزوده بخش کشاورزی منفی و در سطح ۱ درصد معنی‌دار است. کسب‌وکارها در استان‌های با ساختار اقتصادی کشاورزی‌محور اغلب کوچک‌مقیاس و دچار مشکلات ناشی از بهره‌وری پایین هستند و از این‌رو تحت حمایت سیاست‌های دولتی، مانند معافیت‌های مالیاتی و دریافت یارانه قرار می‌گیرند. هر چه سهم بخش کشاورزی در ارزش تولیدات استانی افزایش یابد، بخش بزرگ‌تری از ارزش تولیدات استانی از پرداخت مالیات معاف می‌شود؛ بنابراین درآمد مالیاتی کاهش می‌یابد. بنابراین با یک درصد افزایش در سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی، درآمد مالیاتی نیز به‌طور متوسط ۱.۱۷ درصد کاهش می‌یابد. رابطه منفی بین ارزش افزوده بخش کشاورزی و درآمد مالیاتی در مطالعات تجربی پیشین مانند شکیبایی و خراسانی (۱۳۹۱) نیز مشاهده شده است. شکیبایی، احمدی‌نژاد، طالقانی، کمال‌الدینی (۱۳۹۴) آثار غیرمستقیم سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی بر درآمد مالیاتی استان‌ها را نیز سنجیده‌اند. به دلیل خرید نهاده‌های بخش کشاورزی از بخش صنعت، با افزایش تولیدات

کشاورزی مالیات بر ارزش افزوده این بخش افزایش می یابد و تاثیر آن بر درآمد مالیاتی مثبت می شود. نتیجه پژوهش حاضر نشان دهنده تاثیر منفی و معنادار سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی بر درآمد مالیاتی است پس می توان نتیجه گرفت که تاثیر مستقیم سهم ارزش افزوده کشاورزی بر درآمد مالیاتی از تاثیر غیرمستقیم آن قوی تر است.

ضریب متغیر نرخ بیکاری منفی، در سطح ۵ درصد معنی دار و قابل انتظار است؛ زیرا با افزایش بیکاری در هر استان، از چند کانال درآمدهای مالیاتی کاهش می یابد. یک کانال تاثیرگذاری کاهش سطح درآمد و کاهش مالیات بر درآمد است. کانال دیگر این است که انتظار می رود با افزایش بیکاری و کاهش سطح تولید، اجزای ارزش تولید از جمله سود هم کاهش یابد که منجر به کاهش مالیات بر سود بنگاه ها می شود. کانال دیگر تاثیرگذاری این است که با افزایش بیکاری و کاهش تولید و درآمد، تقاضای کل کاهش می یابد. با کاهش سطح تقاضا یا خرید خانوارها، مالیات بر ارزش افزوده پرداختی خانوارها نیز کاهش می یابد. این نتیجه با نتایج مطالعات پژدمان (۱۳۹۳)، فرازمند، افقه و پژدمان (۱۳۹۳) و باقرزاده و ابراهیم زادگان (۱۳۹۵) همسو است. دلیل در نظر گرفتن متغیر نرخ بیکاری در مدل، با وجود این که ارزش تولید نیز در مدل وجود دارد، اندازه گیری کشش آن است. مطابق نتایج، کشش مالیات نسبت به نرخ بیکاری ۰.۳۳- است یعنی با یک درصد افزایش نرخ بیکاری، درآمد مالیاتی در استان های ایران به طور متوسط ۰.۳۳ درصد کاهش می یابد.

در ادبیات موضوع بین ضریب جینی و درآمد مالیاتی هم رابطه مثبت و هم رابطه منفی گزارش شده است. ارتباط به دست آمده در این تحقیق مثبت و در سطح ۱ درصد معنی دار است. با یک درصد افزایش ضریب جینی که به معنای افزایش نابرابری توزیع درآمد است، درآمدهای مالیاتی در استان های ایران به طور متوسط ۱.۵۸ درصد افزایش می یابد. این نتیجه ممکن است ناشی از فرضیه U معکوس کوزنتس (۱۹۵۵) باشد که مطابق آن در مسیر توسعه اقتصادی هر کشور، نابرابری درآمد ابتدا افزایش می یابد و

پس از ثابت ماندن در سطحی معین، به تدریج کاهش می‌یابد (به نقل از گیلیس و رومر<sup>۱</sup>، ۱۳۷۹). در نتیجه با فرض این که کشورمان در سربالایی مسیر توسعه کوزنتس قرار دارد که مطابق آن نابرابری درآمد در حال افزایش است، می‌توان ارتباط مثبت بین ضریب جینی و درآمدهای مالیاتی را توجیه کرد.

ارتباط بین سرمایه اجتماعی و درآمدهای مالیاتی استانی منفی و در سطح ۱۰ درصد معنی‌دار است. شاخص استفاده شده در این پژوهش، شاخص نبود یا فقدان سرمایه اجتماعی است. ارتباط منفی به این معناست که هر چه شاخص فقدان سرمایه اجتماعی در استان‌ها کاهش یابد یا به عبارت دیگر هر چه سرمایه اجتماعی استانی بالاتر باشد، درآمدهای مالیاتی آن استانی به‌طور متوسط بیشتر است. پرداخت مالیات نامطلوب است و افراد اگر مجبور نباشند، مالیات نمی‌پردازند. در کشورهایی که جرایم شدید برای فرار مالیاتی وجود دارد، موارد فرار مالیاتی کمتر است (کریمی پتانلار، گیلک حکیم‌آبادی و صابر نوچمنی، ۱۳۹۴). روش آسان برای کاهش فرار مالیاتی، وضع مجازات‌های سنگین برای خاطیان مالیاتی است. اما روش بنیادی و دشوار، آن است که اعتماد دوجانبه بین مردم و دولت تقویت شود و افراد به این باور برسند که پرداخت مالیات، در نهایت موجب افزایش رفاه خودشان می‌شود. این همان مفهوم سرمایه اجتماعی است. بنابراین هر چه اعتماد مردم به دولت یا سرمایه اجتماعی افزایش یابد، متوسط درآمدهای مالیاتی نیز افزایش می‌یابد. تنها تحقیق داخلی مشابه این پژوهش رزمی و کاوسی (۱۳۹۴) است که نتیجه آن مشابه همین پژوهش است. نتیجه به‌دست آمده این پژوهش با نتایج سایر مطالعات خارجی مانند یامامورا<sup>۲</sup> (۲۰۱۵)، کافی و گیز<sup>۳</sup> (۲۰۰۵)، دسی و

---

<sup>1</sup> Gilis & Romer

<sup>2</sup> Yamamura

<sup>3</sup> Coffe & Geys

پیکولو<sup>۱</sup> (۲۰۱۶)، چیرکوپ، فابریزی، ایپینو و پاربونتی<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) و فرر-ای-کاربونل و گرژانی<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) همسو است.

## ۵- جمع بندی و پیشنهادها

شناسایی عوامل موثر بر درآمد مالیاتی در سطح استان های کشور می تواند موضوعی مورد توجه هم سیاست گذاران و هم محققین باشد. به این منظور در این پژوهش اثر برخی متغیرهای اقتصادی و سرمایه اجتماعی بر درآمد مالیاتی بررسی شد. تولید سرانه ارتباط مثبت و معنی دار و دو متغیر سرانه ارزش افزوده بخش کشاورزی و نرخ بیکاری رابطه منفی و معنی دار با درآمدهای مالیاتی دارد. در مبانی نظری نیز همین جهت ارتباط پیش بینی شده است. اما در مبانی نظری، ارتباط بین ضریب جینی و درآمد مالیاتی به شکل دقیق مشخص نیست. نتیجه ای که در این پژوهش به دست آمد موید فرضیه کوزنتس دال بر ارتباط مثبت بین ضریب جینی و درآمد مالیاتی است. یعنی بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد یا افزایش ضریب جینی به افزایش درآمد مالیاتی کمک می کند. بر اساس رویکرد نهادگرایان، یکی از مهم ترین دلایل عدم موفقیت در اصلاح نظام مالیاتی در کشورهای در حال توسعه، عدم توجه به اهمیت ملاحظات فرهنگی و اجتماعی در تعیین انگیزه درونی افراد برای پرداخت مالیات در این کشورهاست. سیاست های مالیاتی، بدون توجه به این باورها و مدل های ذهنی بی ثمرند و تنها افزایش هزینه های مبادلاتی را به همراه دارند. سرمایه اجتماعی به عنوان مجموعه ای از شبکه ها، هنجارها و ارزش ها و درکی که موجب تسهیل همکاری و رفتار جمعی می شود نقش مهمی در کارایی سیستم مالیاتی ایفا می کند. بنابراین انگیزه درونی افراد که بخشی از سرمایه اجتماعی است عامل تعیین کننده در میزان درآمدهای مالیاتی دولت هاست. در سند چشم انداز ۱۴۰۴ ایران نیز بر اهمیت سرمایه اجتماعی تاکید شده است. در ویژگی

---

<sup>1</sup> Dessi & Piccolo

<sup>2</sup> Chircop, Fabrizi, Ipino and Parbonetti

<sup>3</sup> Ferrer-i-Carbonell and Gerxhani



دوم این سند می‌خوانیم: "جامعه ایرانی در سال ۱۴۰۴ برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی" است. نتایج این پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی به‌عنوان شاخص اندازه‌گیری اعتماد متقابل مردم و دولت ارتباط مثبت و معناداری با میزان مالیات پرداختی در استان‌های ایران دارد. بنابراین دولت‌ها در مسیر محقق کردن هدف کاهش اتکا به درآمدهای نفتی و افزایش درآمدهای مالیاتی، باید اعتماد افراد جامعه را هر چه بیشتر جلب کنند. بنابراین شفافیت بیشتر سیاست‌های دولت به‌خصوص سیاست‌های اقتصادی، افزایش تعامل دولت با مردم از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی، صداقت در وعده‌ها و به‌خصوص پایبندی به وعده‌های انتخاباتی، پرهیز از اعمال سیاست‌های متناقض و چرخش سیاست‌ها و پرهیز از تغییر یک‌شبه قوانین و وضع مقررات کوتاه‌مدت می‌تواند منجر به افزایش اعتماد مردم به دولت، افزایش سرمایه اجتماعی و افزایش درآمدهای مالیاتی شود.

#### منابع:

- Abdollahi, A. Valaee, M. & Anvari, A. (2013). Assessing the Impact of Social Capital on Rural Poverty, *Quarterly Journal of Space Economics and Rural Development*, Vol. 2(42): 133-152 (In Persian).
- Abrishami, H. Rahmani, T. & Nasiroleslami, E. (2012). Diversification into Government Revenues in Iran for Income Stability Using the Portfolio Theory Approach, *Quarterly Journal of Applied Economic Studies in Iran*, Vol. 3(1): 01-21 (In Persian).
- Akbarian, R. Ghaedi, A. & Vaham, R. (2007). A Study of the Relationship between Trade Liberalization and Tax Revenue in Iran, *Quarterly Economic Reviews*, Vol. 4(3): 01-22 (In Persian).
- Algan, Y. & Cahuc, P. (2010). Inherited Trust and Growth. *American Economic Review*, 100(5), 2060-2090.
- Alm, J. & Gomez, J. L. (2008). Social Capital and Tax Morale in Spain. *Economic Analysis & Policy*. 38(1), 73-87.

- Alm, J., Clark, J., & Leibel, K. (2012). Socio-Economic Diversity, Social Capital, & Tax Filing Compliance in the United States. *Tulane University Working Paper*, No.35.
- Amiri, M. & Rahmani, T. (2006). Investigating the Effects of Internal and External Social Capital on Economic Growth in Provinces of Iran, *Economic Queries*, Vol. 3(6): 111-152 (In Persian).
- Anchorena, J. & F. Anjos (2008). Social Ties and Economic Development. *MPRA Working Paper*, No. 35322.
- Arab Mazar, A. Bagheri, B, & Golmohamadi, M. (2015). Mutual Bid Contracts and Its Tax Challenges in Iran's Oil and Gas Industry, *Accounting and Audit Research*, Vol. 8(30): 04-31 (In Persian).
- Arab Mazar, A. & Dehghani, A. (2009). Estimating the Effectiveness of Income Taxes on Occupations and Legal Persons, *Tax Revenue Research*, Vol. 17(7): 45-65 (In Persian).
- Astone, N. C., Schoen, N. R. & Kim Y. (1999). Family Demography, Social Theory, and Investment in Social Capital. *Population and Development Revive*, 25 (1), 1-31.
- Chircop, J., Fabrizi, M., Ipino, & E., Parbonetti, A. (2018). Does social capital constrain firms' tax avoidance. *Social Responsibility Journal*, Vol. 14 Issue: 3, pp.542-565, <https://doi.org/10.1108/SRJ-08-2017-0157>
- Chou, Y. K. (2006). Three Simple Model of Social Capital and Economic Growth. *The Journal of Socio-Economics*, 35(5), 889-912.
- Coffe, Hilde & Geys, Benny. (2005). Institutional Performance and Social Capital: An Application to the Local Government Level. *Journal of Urban Affairs*, Vol 27, No 5, 485-501.
- Coleman, J. S. (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital. *American Journal of Sociology*, 94, 95-120.
- Dessi, Roberta & Piccolo, Salvatore. (2016). Merchant guide taxation and Social Capital. *European Economic Review*, No 83, 90-110.
- Dinda, S. (2008). Social Capital in the Creation of Human Capital and Economic Growth. *The Journal of Socio-Economics*, 37(6), 2020-2033.

- Doh, S. & Acs, Z. J. (2011). Innovation and Social Capital: A Cross- Country Investigation. *Industry and Innovation*, 17(3), pp.241-262.
- Easterly, W. (2006). Social Cohesion, Institution and Growth. *Center of Global Development Working Paper*, 94.
- Eklinder-Frick, J., Erikson, L. T. & Hallen, L. (2014). Multidimensional Social Capital as a Boost or a Bar to Innovativeness. *Industrial Marketing Management*, 43(3), 460–472.
- Farazmand, H. Afghah, S.M. & Pezhdman, F. (2014). Study of the Effects of Financial Policies on Production on the Way to Change Income Taxes on Employment in Iran, *Conference on Economics of Empowerment and Correction of Economic Behavior* (In Persian).
- Ferrer-i-Carbonell, A., & Gerxhani, K. (2016). Tax evasion and well-being: A study of the social and institutional context in Central and Eastern Europe. *European Journal of Political Economy*, 45, 149-159.
- Fukuyama, Francis. (1997). Social Capital. *The Tanner Lectures on Human Values Delivered at Brasenose College, Oxford May 12, 14 and 15*.
- Francois, P. & Zabojsnik, J. (2004). Trust, Social Capital and Economic Development. *Journal of the European Economic Association*, 3(1), 51-94.
- Gamarnikow, E. (2003). Social Capital & Human Capital. *Encyclopedia of Community*, 8, 1286- 1291.
- Ghaffari, H. Poorkazemi, M.H. Khodadad Kashi, F. & Yoonesi, A. (2015). The optimal tax rate as a financial policy tool is the dynamic optimization control theory approach, *Tax Revenue Research*, Vol. 29: 33-66 (In Persian).
- Gilis, T. & Romer, S. (2000). *Development Economics*, Translated by Azad Armaki. Gh. Tehran, Ney Publication, P. 33 (In Persian).
- Harris, D. (2007). Bonding Social Capital and Corruption: A Cross-National Empirical Analysis. *Environmental Economy and Policy Research Discussion Paper Series*, 27.
- Hasanzadeh samarin, T. & Moghimi, S.M. (2010). The effect of social capital on organizational excellence, *Strategic Management Studies*, Vol. 3: 123-143 (In Persian).

- Hosseini, A.H. Elmi, Z. & Sharepoor, M. (2007). Social capital rating in the provinces of the country, *Social Welfare Quarterly*, Vol. 7(26): 59-84 (In Persian).
- Karimi Potanlar, S. Babazadeh, M. & Hamidi, N. (2011). The Effect of Financial Corruption on Tax Revenues and Government Expenditures a Case Study of Selected Developing Countries, *Quarterly Journal of Economic Research and Policy*, Vol. 19(57): 157-170 (In Persian).
- Karimi Potanlar, S. Guilak Halimabadi, M.T. & Saber Nochamani, F. (2015). Investigating the Effect of Government Effectiveness on Tax Evasion in Selected Countries, *Tax Revenue Research*, Vol. 27(75): 63-90 (In Persian).
- Khodaparast Mashhadi, M. Fallahi, M.A. & Ariana, A. (2004). Investigating the Relationship between Social Capital and Economic Freedom on Iran's Economic Growth, *Macroeconomic Research*, Vol. 9(17): 33-51 (In Persian).
- Khodavirdi, A. (2001). Analysis of the effect of macroeconomic variables on tax revenues using Cointegration technique, *Economic Research*, VOL. 1, 149-180 (In Persian).
- Kim, B. Y. & Kang, Y. (2013). Social Capital and Entrepreneurial Activity a Pseudo Panel Approach. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 97, 47-60.
- Knack, S., & Keefer, P. (1997). Does Social Capital have an Economic Pay Off? A Cross-Country Investigation. *Quarterly Journal of Economics*, 112, 1251-1288.
- La Porta, R. (1997). Trust in Large Organizations. *American Economic Association Papers & Proceedings*, 87 (2), 333-338.
- Mehregan, N. & Ashrafzadeh, S.H.R. (2008). Economics of Panel Data, *Cooperative Research Institute of Tehran University*, Tehran, 20-27 (In Persian).
- Memarzadeh, Gh. & Taherpoor Kalantari, H. (2007). Identification of factors influencing the implementation of tax policies approved by the Islamic Consultative Assembly, *Tax Revenue Research*, Vol. 5: 65-84 (In Persian).
- Moayedfar, R. Akbari, N. & Deliri, H. (2009). Interactive and Dynamic Effects of Social Capital and Economic Development Case Study of Iran 1989-2009), *International Economic Studies*, Vol. 20(35): 21-38 (In Persian).

- Motevasseli, M. & Zobeiri, H. (2013). Social cohesion the origin of economic development, *Rural Development*, Vol. 5(2): 49-74 (In Persian).
- Musai, M., Abhari, M., & Garshasbi, F. S. (2011). Effect of Social Capital on Economic Growth; International Comparison. *American Jurnal of Scientific Reserch*, 16(11), 107-116.
- Najarzadeh, R. & Soleimani, M. (2012). Social Capital, Income and Individual Welfare Case Study of Iran, *Economic Research*, Vol. 47(2): 177-193 (In Persian).
- Nasrollahi, Z. & Eslami, R. (2013). Investigating the Relationship between Social Capital and Sustainable Development in Iran, *Quarterly Journal of Economic Growth and Development*, Vol. 3(13): 61-87
- North, D. C. (2000). The New Institutional Economics and Third World Development. In Harris J., Hunter J. & Lewis C. (eds), *The New Institutional Economics and Third World Development*, London: Routledge, 215-233.
- North. D. C., Nantzavinos, C., Sharig, S. (2004). Learning, Institutions and Economic Performance. *Perspectives On Poltics*, 2(1), 75-84.
- Pezhdman, F. (2014). The Impact of Taxation on Employment in Iran. M.A. Dissertation, Shahid Chamran Ahvaz University, Faculty of Economics and Social Sciences (In Persian).
- Poormoghim, J. Nematpoor, M. & Moosavi, M. (1985). Investigating the Factors Affecting the Level of Income Tax Collection in the Iranian Tax System, *Economic Research*, Vol. 17, 161-178 (In Persian).
- Rabiee, A. & Sadeghzadeh, H. (2011). The Study of the Relationship between Social Capital on Entrepreneurship, *Social Welfare Schedule*, Vol. 11(41), 191-221 (In Persian).
- Rahmani, T. Abbasinejad, H. & Amiri, M. (2007). Investigating the Impact of Social Capital on Iran's Economic Growth: A Case Study of the Provinces of the Country Using Spatial Econometrics, *Quarterly Journal of Economic Research*, Vol. 6(2), 01-30 (In Persian).
- Rasooli, K. & Farzinvash, A. (2010). A Study of the Relationship Between
- Economic Security & Tax Revenue (Evidence from MENA Countries), *Applied Economics*, Vol 3(9): 123-152 (In Persian).

- Renani, M. & Moayedfar, R. (2008). Social capital and economic performance: a comparative study of Iranian provinces, *Management Process and Development*, Vol. 68-69: 80-106 (In Persian).
- Renani, M. & Moayedfar, R. (2011). *The cycles of decline of morality and economy*, Tehran, Tarheno (In Persian).
- Rezazadeh Karsalari, A. & Rahimian Boogar, S. (2015). Investigating the relationship between the quality of the natural resources rental environment and the growth of exports in selected developing countries using panel data approach, *Quarterly Journal of Economic Research and Policy*, Vol. 75: 187-210 (In Persian).
- Sadeghi, H. Mehregan, N. & Amani, M. (2011). Use of day-grade method to estimate the demand of natural gas in Iran's domestic sector with the panel data approach, *Quarterly Journal of Energy Economics*, Vol. 32: 169-187 (In Persian).
- Samadi, A. (2009). Social Capital & Financial Development in Iran, *Journal of Economic Research*, Vol. 44(88): 117-144 (In Persian).
- Samadi, A. & Eidizadeh, Sh. (2011). Evaluating the Effect of Economic and Tax Policies on the Performance of the Iranian Tax System at Horizon 1404 Dynamic Modeling Approach, *Tax Revenue Research*, Vol. 21(69): 181-209 (In Persian).
- Shabani, A. Nakhli, S.R. & Sheikhani, M. (2013). The Effect of Social Capital on Human Development Applied Study of Iran's Regions, *Quarterly Journal of Planning and Budget*, Vol. 18(2): 127-161 (In Persian).
- Shakibae, A. Ahmadinejad, M. Taleghani, F. & Kamalodini, Z. (2015). Estimating the Economic Capacity of Taxes in Provinces of Iran with Spatial Econometric Approach, *Tax Survey*, Vol. 23(26): 173-199 (In Persian)..
- Shakibae, A. & Khorasani, M. (2010). Investigating the Effect of Factors Affecting Iran's Tax Performance Using Provincial Data (2001-09), *Quarterly Journal of Economic Strategy*, Vol. 1(2): 181-200 (In Persian).
- Shirkhani, M.A. & Vaseizadeh, N.S. (2011). Social Capital and Economic Development a Comparative Study of Iran and South Korea, *Quarterly Politics*, Vol. 41(2): 213-232 (In Persian).
- Soltani, M.T. and Poorghaffar Dastjerdi, J. (2012). The process of globalization and its impact on tax revenues in Iran, *Quarterly*

- Journal of Economic Research and Policy*, Vol. 20(62): 143-170 (In Persian).
- Soori, A. (2004). Social capital & economic performance, *Economic Research*, Vol. 69: 878-108 (In Persian).
  - Tajbakhsh, K. (2005). *Social Capital, Trust, Democracy and Development*, Translated by Khakbaz, A. & Pooyan, H. Tehran, Shirazeh (in Persian).
  - Turok, I. (2006). The Connection between Social Cohesion and City Competiveness. *Human Settlement and Development*, 1, 208-214.
  - Teachman, Jay, Kathleen Paasch, & Karen Carver. (1996). Social Capital and Dropping Out of School Early. *Journal of Marriage and the Family*, 58: 773- 783.
  - Warren, M. E. (2005). Social Capital & Corruption. *Democracy and Society*, 1, 16-18.
  - Woodhouse, A. (2006). Social Capital & Economic Development in Regional Australia: A Case Study. *Journal of Rural Studies*, 22:83-94.
  - Woolcock, M. (2011). What Distinctive Contribution Can Social Cohesion Make to Development Theory, Research and Policy. Paper Presented at *International Conference On Social Cohesion and Development, 20-21 January 2011*, OECD Center Conference, Paris.
  - Yamamura, A. (2009). Dynamic of Social Trust and Human Capital in the Learning Process. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 72(1), 377-389.
  - Zahedi, J. Shiani, M. & Alipoor, P. (2009). The relation of social capital to social welfare, *Social welfare quarterly*, Vol. 9(32): 109-129 (In Persian).
  - Zak, P.J. & Knack, S. (2001). Trust and Growth. *Economic Journal*, 111(470), 295-321.
  - Zayer, A. (2009). The Role of Simplification in Tax Reform Programs: The Global Experience and Challenges of the Iranian Tax System, *Quarterly Journal of Taxation*, Vol. 6(54): 157-183 (In Persian).
  - Zobeiri, H. & Karimi, Z. (2004). The effect of social cohesion on economic development (cross-country study with panel data approach), *Economic Growth and Development Research*, Vol. 4(14): 39-62 (In Persian).